

بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر سودآوری بانک‌ها (مطالعه موردی: بانک‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران)

اردشیر شیری^۱، رویا اشراقی سامانی^۲، یادگار محمدی^۳، غلامرضا جعفری نیا^۴

چکیده- سودآوری یک سرمایه‌گذاری اقتصادی از اصلی‌ترین عواملی است که می‌تواند یک سرمایه‌گذار حقیقی یا حقوقی را به خرید و نگهداری آن ترغیب نماید. سودآوری یک بنگاه اقتصادی تحت تاثیر عوامل مختلف درونی و بیرونی موسسه قرار دارد یکی از این عوامل تاثیرگذار ساختار و ویژگی‌های خاص حاکمیت شرکتی آن می‌باشد. در این پژوهش سعی شده است تا تاثیر شاخصه‌های خاص حاکمیت شرکتی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از جمله دوگانگی نقش مدیرعامل، نسبت مدیران غیرموظف، نسبت سهام در تملک اعضای هیات مدیره، سهامداران نهادی و اندازه هیات مدیره بر سودآوری آنها در یک دوره ۶ ساله از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ با استفاده از روش داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش ویژگی‌های فوق‌الذکر حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر مستقل و بازده دارایی‌ها (ROA) و بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) بعنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند. اطلاعات موردنیاز پژوهش از طریق صورت‌های مالی و یادداشت‌های پیوست شرکت‌ها و با استفاده از صفحه گسترده Excel جمع‌آوری و آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون چندگانه و نرم‌افزار Eviews7 انجام شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که بین نسبت مالکیت مدیریتی و سودآوری بانک‌ها (ROA و ROE) رابطه معنادار وجود دارد ولی بین سایر متغیرهای مستقل و سودآوری بانک‌ها (ROA و ROE) رابطه معنادار وجود ندارد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، نرخ بازده دارایی‌ها، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، سودآوری، مالکیت

مدیریتی

۱- استادیار گروه مدیریت دانشگاه ایلام

۲- استادیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی ایلام

۳- دانشجوی دکتری مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی، مدرس گروه حسابداری دانشگاه غیرانتفاعی باختر ایلام

mohamadi.y.57@gmail.com

۴- کارشناس ارشد حسابداری

مقدمه

امروزه یکی از مهمترین مسائل مالی بانک‌ها، اندازه‌گیری سودآوری آنها می‌باشد. اندازه‌گیری سودآوری بانک‌ها از آنجا که پایه بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در داخل و خارج از بانک‌ها می‌باشد، دارای اهمیت است. تصمیم‌گیری‌ها مربوط به تامین مالی بهینه، ریسک اعتباری، افزایش سرمایه بانک، رابطه نمایندگی و بسیاری از تصمیمات دیگر، همگی مبتنی بر اندازه‌گیری سودآوری است.

تا دهه (۱۹۸۰) تعارض نمایندگی بین سهامداران و مدیران موضوع اصلی در ادبیات حاکمیت شرکتی بود. به طور کلی این موضوع مورد قبول همگان بود که تمرکز مالکیت موجب کاهش مسایل نمایندگی می‌شود و این خود موجب بهبود عملکرد شرکت خواهد شد. محققین این عامل را این طور توجیه می‌کردند که افزایش تمرکز مالکیت موجب خواهد شد تا سرمایه‌گذاران بزرگ وارد ساختار مالکیت شرکت‌ها شوند. این سرمایه‌گذاران انگیزه و قدرت کافی برای نظارت مدیران دارند، نظارت آنان موجب خواهد شد تا مدیران در جهت اهداف بلندمدت شرکت گام بردارند (ولی خدادادی، رضا تا کر)

بعد از بحران آسیا در سال ۱۹۹۷، نگاه‌ها برای نخستین بار معطوف به حاکمیت شرکتی در بانک‌ها شد. به طوری که بانک‌ها و موسسات مالی سراسر جهان - یکی پس از دیگری - به اهمیت بالای حاکمیت شرکتی پی بردند و بر اجرای اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌ها تاکید کردند. در این راستا، کمیته نظارتی بانکی بال اولین نسخه دستورالعمل «ارتقای حاکمیت شرکتی در واحدهای بانکی» را در سال ۱۹۹۹ تدوین کرد که پایه و اساس اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۴ و همچنین نسخه اصلاح شده این دستورالعمل در سال ۲۰۰۶ شد. هیات خدمات مالی اسلامی نیز در سال ۲۰۰۶ اقدام به تدوین اصول حاکمیت شرکتی خاص موسسات مالی اسلامی نمود. بعد از شروع بحران مالی جهانی در تابستان ۲۰۰۷، سازمان OECD نخستین سازمانی بود که در این راستا گام برداشت و گروه راهبری حاکمیت شرکتی را تشکیل داد تا موضوع حاکمیت شرکتی در بانک‌ها را با تاکید بر چهار حوزه جبران خدمات، مدیریت ریسک، نقش و وظایف هیات مدیره و رعایت حقوق سهامداران مورد بررسی قرار دهد.

حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌ها و از جمله بانک‌ها، مهم‌ترین ابزار جلوگیری از فساد محسوب می‌شود. مطالعات صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که باضعف حاکمیت شرکتی، فساد مالی

افزایش یافته و به دنبال آن سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی تنزل، مخارج دولت افزایش و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.

حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری، عمدتاً مربوط به نظام بانکداری مرسوم (غیر اسلامی) است. با وجود رشد سریع بانک‌های اسلامی از اواسط دهه ۱۹۷۰ و افزایش حضور آنها در بازارهای مالی جهانی، مباحث اندکی در زمینه تقویت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی مطرح شده است اما تحلیل‌گران بانکداری اسلامی، درصدد تطبیق حاکمیت شرکتی رایج در بانکداری مرسوم با الگوی شریعت اسلامی برآمدند (گارونال، ۲۰۰۵).

از سوی دیگر، نظام حاکمیت شرکتی در بانک‌های ایران موضوع نسبتاً جدیدی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و اقداماتی در جهت اجرایی نمودن ابعاد مختلف آن به صورت غیر منسجم در بازار پول و سرمایه کشور صورت پذیرفته است. از این روی، هدف این تحقیق بررسی تاثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (دوگانگی نقش مدیرعامل، نسبت مدیران غیر موظف، نسبت سهام در تملک اعضای هیات مدیره، سهامداران نهادی، اندازه هیات مدیره) بر سودآوری بانک‌ها (نرخ بازده دارایی‌ها و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام) است.

مروری بر مبانی نظری پژوهش

در این قسمت، مبانی نظری مربوط به دو فاکتور اصلی در این تحقیق، یعنی حاکمیت شرکتی و سودآوری بانک‌ها به طور مختصر توضیح داده می‌شود.

مبانی نظری حاکمیت شرکتی

اصطلاح "Governance" از ریشه لاتین "Gubernare" (به معنای هدایت کردن) برگرفته شده است و قبل از آن برای هدایت کردن کشتی به کار می‌رفته است. تعاریف متنوعی برای حاکمیت شرکتی ارائه شده است که همانطور که پیش‌تر گفته شد، عمده‌ترین عامل متمایزکننده‌ی این تعاریف را می‌توان پهنه با گسترده‌ای شمول حاکمیت شرکتی دانست. از یک سو می‌توان این نظام را رابطه‌ی مدیران با سهامداران دانست که مبانی نظری آن "تئوری نمایندگی" در شکل محدود خود است. در آن سو این طیف و در نگرشی وسیع، حاکمیت شرکتی رابطه‌ی شرکت با تمام ذینفعان خود را دربر می‌گیرد که پشتوانه‌ای نظری آن را می‌توان "تئوری ذینفعان" دانست. سایر تعاریف و نگرش‌های

موجود درخصوص حاکمیت شرکتی درون طیفی میان دو دیدگاه فوق قرار می‌گیرد (بیتا مشایخی، صبری علی‌پناه، ۱۳۹۴).

حاکمیت شرکتی به عنوان مجموعه‌ی روابط میان مدیریت حاکم (اجرایی)، هیأت مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان یا طرف‌های ذیربط در یک شرکت جهت حفظ منافع سهامداران تعریف شده است (آلداماری و کویسمایل، ۲۰۱۳).

حاکمیت شرکتی را مجموعه‌ای از فرآیندها، قواعد، سیاست‌ها و قوانینی می‌داند که بر نحوه رهبری، اداره و کنترل شرکت تاثیرگذار است. حاکمیت شرکتی را همچنین فرآیند استفاده از قدرت شرکت و چگونگی کنترل آن در برخورد با مسایل شرکتی و یا فراشرکتی تعریف نموده‌اند (هیوز، ۲۰۰۸).

رابر تمانگز ونل مینو (۱۹۹۵)، دو صاحب نظری که پژوهش‌های متعدد و گسترده‌ای در مورد حاکمیت شرکتی انجام داده‌اند حاکمیت شرکتی را چنین تعریف کرده‌اند: «ابزاری که هر اجتماع به وسیله آن جهت حرکت شرکت را تعیین می‌کند و یا به عبارت دیگر، حاکمیت شرکتی عبارت است از روابط میان گروه‌های مختلف در تعیین جهت‌گیری و عملکرد شرکت. گروه‌های اصلی عبارتند از: شامل کارکنان، مشتریان، فروشندگان، اعتباردهندگان و اجتماع». پارکینسون (۱۹۹۵)، حاکمیت شرکتی را فرایند نظارت و کنترل عملکرد مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران می‌داند.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) حاکمیت شرکتی را به صورت زیر تعریف می‌کند: مجموعه روابطی است که میان مدیریت، هیأت مدیره، سهامداران و دیگر اشخاص ذینفع یک شرکت وجود دارد. همچنین حاکمیت شرکتی، تعیین‌کننده ساختاری است که توسط آن، اهداف شرکت تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شود. حاکمیت شرکتی خوب، می‌بایست مشوق‌های مناسبی را برای هیأت مدیره و مدیریت فراهم آورد تا آنها به پیگیری اهدافی پردازد که در راستای منافع شرکت و سهامداران بوده و نظارت موثری را ممکن می‌سازد (حمیدرضا کردلویی، المیر محمودزاده و داود جدیدالاسلامی، ۱۳۹۱).

اهمیت حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری

دنیای بانکداری اسلامی، در عین حالی که درصدد حفظ اصول شریعت اسلامی می‌باشد، با چالش‌ها توسعه بین‌المللی مواجه است. مباحث مطرح شده در زمینه حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری عمدتاً مربوط به نظام بانکداری مرسوم (غیر اسلامی) است. علی‌رغم رشد سریع بانک‌های اسلامی از

میانه دهه ۱۹۷۰ و افزایش حضور آنها در بازارهای مالی جهانی، مباحث اندکی در زمینه تقویت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی مطرح شده است. با وجود این، تحلیل‌گران بانکداری اسلامی، درصدد تطبیق حاکمیت شرکتی رایج در بانکداری مرسوم با الگوی شریعت اسلامی برآمده‌اند. منابع تئوریک دو مدل از حاکمیت شرکتی ارائه کرده‌اند. نوع اول، حاکمیت شرکتی درون سازمانی (آلمانی - ژاپنی)، سیستمی است که در آن شرکت‌های فهرست‌بندی شده یک کشور تحت مالکیت تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. سازوکارهای حاکمیت درون سازمانی (محاطی) عبارتند از: هیات مدیره، مدیران اجرایی، کنترل داخلی و اخلاق سازمانی.

حاکمیت شرکتی درون سازمانی (آنگلو - آمریکایی)، به سیستم‌های تامین مالی و حاکمیت شرکتی اشاره دارد که در آن، شرکت‌های بزرگ توسط مدیران کنترل می‌شوند و تحت مالکیت سهامداران برون سازمانی یا سهامدارن خصوصی قرار دارند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از کنترل (مدیریت) می‌شود. سازوکارهای حاکمیت شرکتی برون سازمانی (محیطی) شامل موارد زیر است:

نظارت قانونی، رژیم حقوقی، کارایی بازار سرمایه، نظارت سهامداران عمده، نقش سرمایه‌گذاران نهادی، نظارت سهامداران اقلیت، الزامی کردن حسابرسی مستقل و فعالیت موسسات رتبه‌بندی (حمیدرضا کردلویی و همکاران، ۱۳۹۱).

اما در بانکداری اسلامی به لحاظ شرعی نبودن پرداخت بهره، این مدل کارایی ندارد و لزوم حفاظت از منافع ذی‌نفعان کاملاً احساس می‌شود. کارکنان بانک‌ها از دیگر ذی‌نفعان سیستم بانکداری هستند که مشارکت‌شان جهت عملکرد کارایی بانک و مزایای پرداختی به آنها، هر دو توسط ساختار انگیزشی بانک تعیین می‌شود. با بهبود عملکرد بانک، حق‌الزحمه آنها افزایش و اثر انگیزشی تقویت می‌یابد. سیستم مالی خود یک ذی‌نفع است، زیرا ناتوانی بانک‌های عمده می‌تواند باعث ایجاد بحران و آسیب‌رسانی به کل اقتصاد شود. دولت نیز یک ذی‌نفع است، زیرا عملکرد موثر بانک‌ها می‌تواند منافع زیادی را برای دولت به همراه داشته باشد. اقتصاد جامعه یک ذی‌نفع بزرگ است، زیرا عملکرد غیرموثر سیستم مالی می‌تواند اثر معکوسی در تمام بخش‌های اقتصاد و جامعه از طریق ثبات و کاهش نرخ رشد اقتصادی ایجاد می‌کند. حتی در نظام مالی اسلامی، مهم‌ترین ذی‌نفع خود شریعت اسلام است، زیرا اگر بانک‌ها نتوانند حاکمیت شرکتی را به نحو احسن مطابق با اسلام اجرا کنند، بحث‌های

منتقدین نظام بانکداری اسلامی و عدم توانایی مطابقت آن با دنیای نوین بانکداری تشدید خواهد شد (محمد روشندل، ۱۳۸۶).

نسبت‌های مالی و عملکرد بانک‌ها

یکی از مهمترین و کاربردی‌ترین روش‌های تجزیه تحلیل مالی استفاده از نسبت‌های مالی به منظور ارزیابی شرایط مالی و نحوه سودآوری یک موسسات و بانک‌ها می‌باشد. نسبت‌های مالی که تاکنون مورد استفاده تحلیل‌گران قرار گرفته‌اند، نسبت‌های حاصله از ترازنامه و صورت‌حساب سود و زیان که جهت تحلیل وضعیت اقتصادی موسسات تجاری و بانک‌ها و اخذ تصمیمات اقتصادی می‌باشد. در کشور ما خصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با مصادره یا ملی شدن واحدهای تجاری به منظور اعمال نظارت و کنترل موثر بر این واحدها ضرورت بهره‌گیری از علوم مالی بیش از پیش محسوس گردیده و تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی این واحدها به عنوان ابزاری در تصمیم‌گیری مدیران عالی رتبه بکار گرفته شده است. از جمله تکنیک‌های مهم تجزیه و تحلیل و تفسیر صورت‌های مالی که در سال‌های اخیر تقریباً در تعداد زیادی از واحدهای تجاری و بانک‌های ملی شده مورد توجه قرار گرفته نسبت‌های مالی می‌باشد. همچنین در تمامی کتب مدیریت مالی به عنوان یکی از تکنیک‌های مهم تجزیه و تحلیل و تفسیر صورت‌های مالی به این تکنیک توجه خاصی مبذول شده و نظر استفاده کنندگان صورت‌های مالی را به آن جلب نموده. نسبت‌های مالی سودآوری که بعنوان معیار عملکرد بانک‌ها در این تحقیق معرفی شده‌اند.

استفاده از نسبت‌های مالی برای ارزیابی عملکرد موسسات پیشینه‌ای دیرینه دارد. در سال‌های اخیر نیز رشد قابل توجهی در کاربرد این نسبت‌ها دیده می‌شود استفاده از این نسبت‌ها به عنوان اطلاعات لازم، برای به کارگیری الگوهای کمی ارزیابی عملکرد موسسات نیز از جمله محورهای قابل توجه پژوهشگران بوده است. به گونه‌ای که در شماری از این مطالعات، از روش‌های ناپارامتریک برای تعیین کارآیی موسسات مورد مطالعه استفاده شده است. علت معرفی این رویکردهای جدید آن بوده که نسبت‌های مالی به صورت جدا از هم نمی‌توانند درک صحیحی از عملکرد یک موسسه را حاصل سازند (رسول برادران حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸).

نسبت‌های سودآوری

در پژوهش‌های مربوط به بررسی عملکرد صنعت بانکداری از دو نسبت بازده کل دارایی‌ها (ROA) بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) استفاده شده است که در بیشتر موارد برای نشان دادن توانایی بانک‌ها در خلق درآمد، از طریق ارائه خدمات غیرسنستی موارد استفاده قرار می‌گیرند. نسبت ROA نشان‌دهنده سود به دست آمده از هر واحد پولی دارایی است و از سوی دیگر، نشان‌دهنده توانایی مدیریت در استفاده مطلوب از منابع واقعی سرمایه‌ای و مالی بانک در خلق سود است. نسبت ROA در مورد هر بانک، بستگی به تصمیم‌های سیاستی بانک و همچنین، برخی تغییرات غیرقابل کنترل اقتصادی و نیز مقررات دولتی دارد. از سوی دیگر، نسبت ROE نشان می‌دهد که مدیریت بانک تا چه حد توانسته است تا از وجوه سهامداران به طور موثر استفاده نماید (آتوسا گودرزی، حیدر زبیدی، ۱۳۸۷)

پیشینه تحقیق

پیشینه خارجی

تیوهین (۲۰۱۴) به اندازه‌گیری تاثیر هزینه‌های مرتبط با فعالیت‌های اجتماعی بر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی در بنگلادش پرداخت. در این پژوهش، ROA و ROE به عنوان معیارهای عملکرد مالی برای بانک‌های اسلامی در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد که هزینه‌های ایفای مسئولیت‌های اجتماعی بر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی هیچ اثری ندارد.

پنی و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله خود اثر حاکمیت شرکتی بانک‌ها را بر اعطای اعتبارات به بخش رهن و میزان مطالبات مشکوک‌الوصول در طول دوران بحران مالی آزمون نموده است. نتایج حاکی از این است که بانک‌هایی که دارای مکانیسم حاکمیت شرکتی قوی‌تری نسبت به سایر بانک‌ها هستند، شاخص‌های سودآوری آنها نیز بالاتر است.

ارشد و همکاران (۲۰۱۲) با جمع‌آوری داده‌ها هفده بانک اسلامی در کشور مالزی طی سه سال به بررسی اثر افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی - اسلامی بر عملکرد مالی این بانک‌ها پرداختند. این پژوهشگران برای محاسبه متغیر عملکرد مالی از معیارهای میزان بازده دارایی‌ها (ROA) و میزان بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) استفاده نمودند. تحلیل‌ها نشان داد که افشای فعالیت‌های اجتماعی به طور قابل توجهی، رابطه مثبتی با عملکرد مالی بانک‌های اسلامی دارد. از دیدگاه اسلام فعالیت‌های

اجتماعی و افشای آنها، استراتژی‌های تجاری مهمی در ایجاد عملکرد برتر و پایدار برای سازمان‌ها به شمار می‌رود. در پایان پژوهشگران تاکید کردند که بانک‌های اسلامی باید توجه ویژه‌ای به همه ذی-نفعان خود مبذول دارند.

المنسیر و همکاران (۲۰۱۲) اثر حاکمیت شرکتی را بر عملکرد بانک‌های اردن بررسی نموده‌اند. شاخص‌های اندازه هیئت مدیره، ترکیب هیئت مدیره و مالکیت خارجی به‌عنوان شاخص‌های حاکمیت شرکتی در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از بررسی حاکی از آن است که رابطه مثبت بین شاخص‌های حاکمیت شرکتی یعنی تعداد اعضای هیئت مدیره و مالکیت خارجی و عملکرد سیستم بانکی اردن وجود دارد. اندازه هیئت مدیره و جدایی مالکیت از مدیریت رابطه منفی با عملکرد سیستم بانکی این کشور دارد. تای (۲۰۱۲) اثر حاکمیت شرکتی را بر سودآوری بانک‌ها با استفاده از تئوری نمایندگی و آمار ۱۵ بانک در کشور مالزی بررسی نموده است. شاخص‌های بازده دارایی و بازده سهام به عنوان شاخص‌های سودآوری بانک‌ها در نظر گرفته شده است. نتایج برآورد مدل حاکی این است که استقلال هیئت رئیسه و نوع مالکیت بانک رابطه منفی با بازدهی سهام دارند.

ارمینا و ماریا (۲۰۱۰) عملکرد بانکی و حاکمیت شرکتی در بانک‌های اروپایی و آمریکایی و استرالیا و ژاپن را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که یک رابطه منفی قابل چشم-پوشی بین عملکرد بانکی و حاکمیت شرکتی برقرار است اما بین عملکرد بانکی و اهرم مالی و رشد اقتصادی رابطه مثبت و قوی وجود دارد. همچنین یافته‌های این مقاله حاکی از رابطه مثبت بین سهامداران داخلی و عملکرد بانکی وجود دارد که بیانگر این است که هر چه سهام بیشتری توسط کارمندان داخلی بانک و هیئت مدیره و سهامداران بزرگ نگهداری شود عملکرد بانک بهتر خواهد بود.

شین پینگ و تسنگ هسین (۲۰۰۹) رابطه‌ی مالکیت درونی (مدیریتی) و مالیکت نهادی را بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تایوان در دوره‌ی ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ پرداختند و نتایج آنها با استفاده از روش داده‌های ترکیبی نشان داد که بین مالکیت درونی و عملکرد شرکت رابطه‌ی معکوس U شکل وجود دارد و همچنین بین مالیکت نهادی دولتی و مالکیت نهادی شرکتی با عملکرد، رابطه منفی معنادار وجود دارد.

صبور ملا و عمرالفاروق و رسول کریم (۲۰۰۸) طی تحقیقی به بررسی تاثیر و رابطه ساختار مالکیت و ساختار هیئت مدیره با عملکرد مالی شرکت‌ها پرداخته‌اند. نتیجه تحقیق آنها وجود تفاوت بین سیستم حاکمیت شرکتی در بین شرکت‌ها با توجه به تفاوت در عملکرد اندازه‌گیری شده بود. از جمله دلایلی که آنان در تحقیق خود به آن اشاره کردند وجود بازار سرمایه متفاوت در تفاوت در ترکیب آنهاست.

کلز و همکاران (۲۰۰۲) رابطه بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی را بر عملکرد مورد بررسی قرار دادند. آنان با انتخاب ۱۴۴ شرکت آمریکایی به این نتیجه رسیدند که: شرکت‌هایی که تعداد بیشتری از اعضای غیرموظف در هیئت مدیره به خدمت می‌گیرند نسبت به شرکت‌هایی که تعداد اعضای موظف آنها در هیئت مدیره بیشتر است عملکرد بهتری دارند.

پیشینه داخلی

باقرپور و همکاران (۱۳۹۴) رابطه‌ی بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و تجدید ارائه‌های حسابداری را در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از ۱۶۰ شرکت نمونه در دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ بررسی کردند. نتایج تحقیق نشان داد که تغییر مدیرعامل، تغییر حسابرس، تخصص صنعت حسابرس، اندازه حسابرس و بزرگترین سهامدار به همراه برخی خصوصیات مالی شرکت‌ها شامل نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی، نسبت نقدینگی و اندازه شرکت از عوامل موثر بر احتمال وقوع تجدید ارائه‌های سود در بازار سرمایه ایران می‌باشند. بنابراین، یافته‌های این تحقیق از این عقیده که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی راه‌علاجی برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد، حمایت می‌کند.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بازار اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از وجود ارتباط معناداری بین وجود سهامداران نهادی و شاخص‌های عملکرد مالی از جمله شاخص بازده فروش، شاخص بازده دارایی‌ها، شاخص سود عملیاتی به دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام است.

مهدی تقوی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها) آزمون نموده است. نتایج حاصل از بررسی بیانگر آن است که مالکیت دولتی بانک‌ها اثر بزرگتری بر افزایش مطالبات معوق

نسبت به مالکیت خصوصی و خارجی دارد. اما مالکیت خارجی نسبت به سایر انواع مالکیت‌ها از نظر نسبت‌های سودآوری بانک بهتر عمل می‌نماید.

حمیدرضا کردلوئی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی استقرار حاکمیت شرکتی در موسسات مالی ایران پرداختند و نتایج تحقیق بیانگر شکاف معنادار شاخص‌ها در میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی براساس تهدیدها و فرصت‌های رقابتی بانکی در دو موقعیت حال و آتی، و ضعیف‌ها قوت بانک برای دو موقعیت موجود و مطلوب است.

حمیدرضا و کیلی‌فرد و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران آزمون نموده است. نتایج بیان حاکی از این است که بین وجود سهامداران نهادی و با عملکرد شرکت‌ها رابطه معنادار و مثبت وجود دارد، حضور سهامداران عمده در ساختار مالکیت شرکت‌ها بر عملکرد آنها تاثیر چندانی ندارد. نسبت حضور اعضای غیرموظف هیئت مدیره در ترکیب هیئت مدیره با عملکرد شرکت‌ها رابطه معنی‌دار و معکوس دارد. همچنین کیفیت اطلاعات مالی رابطه‌ای با عملکرد شرکت‌ها ندارد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیق‌های تجربی می‌باشد و انجام تحقیق به صورت قیاسی - استقرایی می‌باشد. از آنجا که هدف تحقیق حاضر مطالعه تاثیر حاکمیت شرکتی بر سودآوری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، روش تحقیق جهت انجام مطالعه مورد نظر از نوع همبستگی می‌باشد. در مبانی نظری و پیشینه تحقیق عمدتاً از مقالات متعدد لاتین و فارسی اخذ شده از اینترنت، کتابخانه‌ها و همچنین مجلات تخصصی و پایان‌نامه‌ها استفاده می‌شود و به منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز این تحقیق از اطلاعات منعکس شده در صورت‌های مالی و اطلاعات لازم برای آزمون فرضیه‌ها از بانک اطلاعات نرم‌افزارهای ره‌آورد نوین، تدبیرپرداز و لوح فشرده صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس استفاده شده است.

داده‌های جمع‌آوری شده در نرم‌افزار اکسل وارد و تعدیلات لازم بر روی آنها انجام و متغیرهای موردنیاز از آن استخراج شده و سپس به منظور تجزیه و تحلیل وارد نرم‌افزار Spss و Eviews می‌گردند.

جامعه و نمونه آماری

داده‌های مورد نیاز تحقیق جهت آزمون فرضیه‌ها از طریق مراجعه به صورت‌های مالی حسابرسی شده بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره زمانی ۶ ساله (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳)، ۹ بانک گردآوری شده است. در این تحقیق نمونه‌گیری به روش حذفی و با اعمال محدودیت‌های زیر انجام می‌شود:

۱. تا پایان اسفند ماه ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
۲. پایان سال مالی بانک‌ها ۲۹ اسفند ماه باشد.
۳. بانک‌ها در دوره موردنظر، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
۴. بانک‌ها در دوره موردنظر، توقف فعالیت نداشته باشند.
۵. صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه شرکت‌ها در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ به گونه‌ای کامل در سایت بورس اوراق بهادار موجود باشد.
۶. تمامی اطلاعات مربوط به اجزای محاسبه متغیرهای معادلات در دسترس و افشا شده باشد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به تئوری‌ها و پیشینه موجود، این تحقیق شامل یک فرضیه اصلی و شش فرضیه فرعی به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اصلی

- ۱- بین حاکمیت شرکتی و سودآوری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی

- ۱- بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و سودآوری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین نسبت حضور اعضای غیرموظف هیات مدیره و سودآوری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین نسبت مالکیت مدیریتی و سودآوری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین نسبت سهامداران نهادی و سودآوری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین اندازه هیات مدیره و سودآوری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

مدل، تعریف و اندازه‌گیری عملیاتی متغیرهای تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های اصلی و فرعی از رگرسیون چندگانه زیر استفاده می‌شود. در این مدل، متغیر سودآوری (ROA و ROE) به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای حاکمیت شرکتی به عنوان متغیرهای مستقل و اندازه شرکت و اهرم مالی به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند.

$$\text{PERF} = \beta_0 + \beta_1 \text{BLS} + \beta_2 \text{INE_BZ} + \beta_3 \text{BZ} + \beta_5 \text{IOWN} + \beta_6 \text{BOWN} + \beta_7 \text{LNTA} + \beta_8 \text{TD_TE} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای وابسته:

بازده دارایی‌ها (ROA): بازده دارایی‌ها (نسبت سودآوری) از حاصل تقسیم سود خالص بر مجموع دارایی‌ها قابل مقایسه محاسبه می‌باشد. این نسبت میزان کارایی مدیریت را در بکار گرفتن منابع موجود در جهت تحصیل سود نشان می‌دهد. نسبت مزبور اغلب توسط سرمایه‌گذاران موجود و یا سرمایه‌گذاران بالقوه برای ارزیابی مدیریت شرکت استفاده می‌شود (حنیفه و همکاران، ۲۰۰۲).

بازده حقوق صاحبان سهام (ROE): از حاصل تقسیم سود خالص متعلق به صاحبان سهام عادی بر مجموع حقوق صاحبان سهام عادی بدست می‌آید. این نسبت نشان دهنده بازده حاصل از وجوه نقد سرمایه‌گذاری شده صاحبان سهام عادی در شرکت بوده و توانایی مدیریت موسسه را در بکارگیری این وجوه نشان می‌دهد. بنگاهی که دارایی نسبت ROE بالایی است، ذاتاً توانایی ایجاد وجه نقد را داراست (رز، ۱۳۹۱؛ والاس، ۱۹۹۵؛ اوسا آسا، ۱۹۹۸).

متغیرهای مستقل:

در این تحقیق حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده که شامل موارد زیر است. دوگانگی نقش مدیرعامل (BLS): متغیر مجازی است که اگر مدیرعامل، رئیس هیات مدیره هم باشد برابر با یک در غیر این صورت برابر صفر است. اعضای غیرموظف هیات مدیره (INE_BZ): عبارتست از درصد اعضای غیرموظف به کل تعداد هیات مدیره اندازه هیات مدیره (BZ): عبارت از تعداد کل اعضای هیات مدیره. نسبت مالکیت مدیریتی (DOWN): عبارتست از درصد سهام نگهداری شده به وسیله اعضای هیات مدیره و خانواده آنها می‌باشد. نسبت مالکیت سهامداران نهادی (IOWN): برابر درصد سهام نگهداری شده توسط شرکت‌های دولتی و عمومی از کل سرمایه است

که این شرکت‌ها شامل شرکت‌های بیمه، موسسه‌های مالی، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی و دیگر اجزای دولت است.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (LNTA): در این پژوهش مجموع دارایی‌های شرکت به عنوان معیار اندازه‌گیری اندازه شرکت در نظر گرفته شده است. جهت محاسبه و بررسی رابطه متغیر کنترلی با متغیر وابسته و مستقل لگاریتم دارایی‌های هر سال مالی استفاده شده است.

اهرم مالی (TD_TE): اهرم مالی، نمایانگر میزان استفاده از دارایی‌ها در ساختار سرمایه شرکت است که از تقسیم کل دارایی‌ها به حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود.

یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی

جدول (۳) آماره‌های توصیفی تحقیق

متغیرها	میانگین	میان	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
ROA	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۴	-۰/۰۳	۰/۰۱
ROE	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۴۱	-۰/۶۰	۰/۱۴
BLS	۰/۷۶	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۳
INE_BZ	۰/۴۳	۰/۳۲	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۳
BZ	۵/۹۸	۵/۰۰	۱۰/۰۰	۴/۰۰	۱/۶۸
DOWN	۰/۶۲	۰/۶۳	۰/۹۲	۰/۳۳	۰/۱۵
IOWN	۰/۷۸	۰/۸۰	۰/۹۷	۰/۴۲	۰/۱۶
LNTA	۱۲/۲۶	۱۱/۴۴	۲۶/۷۲	۰/۵۱	۶/۲۵
TD_TE	۱۴/۳۱	۱۴/۴۳	۱۵/۱۶	۱۳/۱۴	۰/۵۳

تعریف متغیرها:

ROA: نرخ بازده دارایی‌ها، ROE: نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، BLS: دوگانگی نقش مدیر عامل، INE_BZ: اعضای غیرموظف هیات مدیره، BZ: اندازه هیات مدیره، DOWN: نسبت

مالکیت مدیریتی، IOWN: نسبت مالکیت سهامداران نهادی، LNTA: اندازه شرکت، TD_TE: اهرم مالی

نتایج نگاره یک نشان می‌دهد که میانگین نرخ بازده دارایی‌ها برابر (۰/۰۲)، میانگین نرخ بازده حقوق صاحبان سهام برابر (۰/۱۹)، می‌باشد. نشان می‌دهد که میانگین متغیرهای وابسته تحقیق در دوره مورد بررسی همگی مثبت است. و این نشان‌دهنده این مطلب است که بانک‌ها در دوره مورد بررسی روند رو به رشدی داشته‌اند. همچنین بیشترین انحراف معیار در بین متغیرهای وابسته مربوط به نرخ بازده حقوق صاحبان سهام است. و نشان می‌دهد که سرمایه بانک‌ها در دوره مورد بررسی دارای نوسان زیادی بوده است. میانگین سرمایه‌گذاران نهادی برابر با (۰/۷۸) است و نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی بیشتر سرمایه بانک‌ها در دست سرمایه‌گذاران نهادی است که با توجه به تحقیقات گذشته می‌تواند یکی از عوامل بهبود سودآوری بانک‌ها تلقی گردد. نتایج سایر متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد که در بیشتر بانک‌های مورد بررسی (حدود ۷۶ درصد) مدیر عامل و رییس هیات مدیره از هم تفکیک هستند. اما میانگین درصد مدیران موظف و غیرموظف نشان می‌دهد که به طور بیشتر اعضای هیات مدیره، غیرموظف هستند. اما میانگین مالکیت مدیریتی نشان می‌دهد بیشتر سهام بانک‌ها متعلق به اعضای هیات مدیره می‌باشد. تحقیقات گذشته نشان داده‌اند که تمرکز مالکیت موجب نظارت موثر بر فعالیت‌های مدیران شده و بهبود سودآوری را منجر خواهد شد. میانگین اهرم مالی شرکت‌های مورد بررسی ۱۲/۲۷ می‌باشد که نشان می‌دهد دارایی‌های بانک‌های مورد بررسی بطور متوسط ۱۲/۲۷ بزرگتر از حقوق صاحبان سهام می‌باشد و سایر منابع بانک‌ها از تامین مالی از طریق بدهی می‌باشد که بدلیل پرداخت‌های بهره در موعد مقرر یک روش پر ریسک می‌باشد که احتمال ورشکستگی را افزایش می‌دهد.

تخمین مدل

الگوی یاد شده با استفاده از تکنیک قدرتمند پانل برآورد شده است. برای انتخاب میان روش‌های حداقل مربعات تلفیقی، اثر ثابت و اثر تصادفی از آزمون‌های چاو و آزمون هاسمن استفاده شده است. جهت تخمین مدل و انجام آزمون‌های مذکور، از نرم‌افزارهای Eviews 7 استفاده شده است.

فرضیه اصلی اول تحقیق

در مرحله اول، جهت تشخیص این مطلب که مدل ما مدل داده‌های تلفیقی یا مدلی با اثر ثابت و یا مدلی با اثر تصادفی است به بررسی آزمون‌های چاو و آزمون هاسمن، برای مدل می‌پردازیم. جدول ۲

نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن را برای فرضیه اول تحقیق ارائه می‌کند. براساس آزمون‌های ذکر شده، مدل اثرات تصادفی انتخاب شده است.

جدول ۲- نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون چاو	۴/۵۴۹	۰/۰۰۰	تأیید مدل اثر ثابت در برابر مدل داده‌های تلفیقی
آزمون هاسمن	۱۲/۹۱۷	۰/۰۷۴	تأیید مدل اثر تصادفی در برابر اثر ثابت

براساس نتایج مندرج در نگاره (۲)، مدل تحقیق برای کل شرکت‌ها، با اثرات تصادفی برآورد و نتایج تخمین جهت آزمون فرضیه اول تحقیق در نگاره (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج برآورد مدل جهت آزمون فرضیه اصلی اول تحقیق

متغیر وابسته: ROA			
آزمون داده‌های ترکیبی			متغیر توضیحی
P – value	آماره t	ضریب	
۰/۷۷۱	۰/۲۹۱	۰/۰۰۱	BLS
۰/۵۴۲	-۰/۶۱۳	-۰/۰۰۲	INE_BZ
۰/۰۰۰	۴/۳۶۲	۰/۰۰۴	BZ
۰/۴۱۲	-۰/۸۲۷	-۰/۰۰۷	IOWN
۰/۶۲۳	۰/۴۹۴	۰/۰۰۳	BOWN
۰/۲۸۱	-۱/۰۹۰	-۰/۰۰۰۳	LNTA
۰/۰۰۶	-۲/۸۷۰	-۰/۰۰۷	TD_TE
۰/۰۳۲	۲/۲۰۱	۰/۱۰۲	عرض از مبدا
	۳/۴۲۶		F آماره
	۰/۰۰۴		P-value
	۰/۳۴۲		R ²
	۰/۲۴۲		R ² تعدیل شده
	۱/۶۹۹		آماره دورین – واتسون

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس جدول (۳)، آماره F نشان‌دهنده معناداری کل رگرسیون است. همچنین در مدل منتخب $R^2 = 0/342$ بدست آمده است، که نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی موردنظر حدود ۳۴/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. آماره دوربین - واتسون نیز بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد که مشکل خود همبستگی بین جملات اختلال مدل برآوردی وجود ندارد.

همان طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، ضریب دوگانگی نقش مدیر عامل بیشتر از ۵ درصد می‌باشد، در نتیجه فرضیه فرعی اول پژوهش بیانگر آن است که بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و سودآوری بانک‌ها (ROA) رابطه معناداری وجود ندارد.

و همچنین در فرضیه فرعی دوم نیز به دلیل اینکه سطح معناداری ضریب اعضای غیرموظف هیات مدیره بیشتر از سطح معنی‌داری ۵ درصد می‌باشد، بین نسبت حضور اعضای غیرموظف هیات مدیره و سودآوری بانک‌ها (ROA) رابطه معناداری وجود ندارد. اما در فرضیه سوم پژوهش که به بررسی ارتباط بین نسبت مالکیت مدیریتی و سودآوری بانک‌ها (ROA) می‌پردازد، رابطه معناداری وجود دارد. و این فرضیه در سطح ۵ درصد معنی‌دار بوده و با توجه به ضریب متغیر مالکیت مدیریتی (۰/۰۰۴) این ارتباط مثبت می‌باشد. سطح معناداری متغیر نسبت مالکیت مدیریتی با مقدار بیشتر از ۵ درصد، رد فرضیه چهارم پژوهش را نشان می‌دهد؛ به این معنا که بین نسبت مالکیت مدیریتی با سودآوری بانک‌ها (ROA) رابطه معناداری برقرار نیست.

فرضیه پنجم نیز با توجه به سطح معناداری متغیر اندازه هیات مدیره (بیش از ۵ درصد)، پذیرفته نمی‌شود؛ از این رو بین متغیر اندازه هیات مدیره با سودآوری بانک‌ها (ROA) رابطه معناداری برقرار نیست.

همچنین نتایج آزمون متغیرهای کنترلی، رابطه معناداری را بین اندازه شرکت با سودآوری بانک‌ها (ROA) گزارش نمی‌دهد، اما متغیر اهرم مالی با سودآوری بانک‌ها (ROA) رابطه منفی برقرار می‌کند.

فرضیه اصلی دوم تحقیق

جهت تشخیص این مطلب که مدل این فرضیه مدل داده‌های تلفیقی یا مدلی با اثر ثابت و یا مدلی با اثر تصادفی است به بررسی آزمون‌های چاو و آزمون هاسمن، برای مدل می‌پردازیم. جدول ۴ نتایج

آزمون‌های چاو و هاسمن را برای فرضیه دوم تحقیق ارایه می‌کند. براساس آزمون‌های ذکر شده، مدل اثرات ثابت انتخاب شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون چاو	۳/۰۴۱	۰/۰۰۹	تأیید مدل اثر ثابت در برابر مدل داده‌های تلفیقی
آزمون هاسمن	۲۳/۷۱	۰/۰۰۱	تأیید مدل اثر ثابت در برابر اثر تصادفی

براساس نتایج مندرج در نگاره (۴)، مدل تحقیق برای کل شرکت‌ها، با اثرات ثابت برآورد و نتایج تخمین جهت آزمون فرضیه دوم تحقیق در نگاره (۵) ارایه شده است.

جدول ۵- نتایج برآورد مدل جهت آزمون فرضیه اصلی دوم تحقیق

متغیر وابسته: ROE			
آزمون داده‌های ترکیبی			متغیر توضیحی
P – value	آماره t	ضریب	
۰/۷۷۱	۰/۲۹۱	۰/۰۰۱	BLS
۰/۵۸۲	-۰/۵۵۴	-۰/۰۱۷	INE_BZ
۰/۰۰۰	۴/۲۶۲	۰/۰۲۷	BZ
۰/۵۷۱	-۰/۵۷۱	-۰/۰۶۶	IOWN
۰/۱۰۵	-۱/۶۵۶	-۰/۱۰۶	BOWN
۰/۰۰۶	۲/۸۷۵	۰/۰۰۵	LNTA
۰/۰۳۶	-۲/۱۷۳	-۰/۱۴۸	TD_TE
۰/۰۴۵	۲/۰۷۰	۲/۱۹۶	عرض از مبدا
۵/۸۹۱			F آماره
۰/۰۰۰			P-value
۰/۶۹۹			R ²
۰/۵۸۰			R ² تعدیل شده
۱/۷۸۲			آماره دوربین-واتسون

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس جدول (۵)، آماره F نشان‌دهنده معناداری کل رگرسیون است. همچنین در مدل منتخب $R^2 = ۰/۶۹۹$ بدست آمده است که نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی مورد نظر حدود ۶۹/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. آماره دوربین - واتسون نیز بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد که مشکل خود همبستگی بین جملات اختلال مدل برآوردی وجود ندارد.

همان طور که جدول (۵) نشان می‌دهد، ضریب دوگانگی نقش مدیرعامل بیشتر از ۵ درصد می‌باشد، در نتیجه فرضیه فرعی اول پژوهش بیانگر آن است که بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و سودآوری بانک‌ها (ROE) رابطه معناداری وجود ندارد.

و همچنین در فرضیه فرعی دوم نیز به دلیل اینکه سطح معناداری ضریب اعضای غیرموظف هیات مدیره بیشتر از سطح معنی‌داری ۵ درصد می‌باشد، بین نسبت حضور اعضای غیرموظف هیات مدیره و سودآوری بانک‌ها (ROE) رابطه معناداری وجود ندارد. اما در فرضیه سوم پژوهش که به بررسی ارتباط بین نسبت مالکیت مدیریتی و سودآوری بانک‌ها (ROE) می‌پردازد، رابطه معناداری وجود دارد. و این فرضیه در سطح ۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. و با توجه به ضریب متغیر مالکیت مدیریتی (۰/۰۴) این ارتباط مثبت می‌باشد. سطح معناداری متغیر نسبت مالکیت مدیریتی با مقدار بیشتر از ۵ درصد، رد فرضیه چهارم پژوهش را نشان می‌دهد؛ به این معنا که بین نسبت مالکیت سهامداران نهادی با سودآوری بانک‌ها (ROE) رابطه‌ی معناداری برقرار نیست.

فرضیه پنجم نیز با توجه به سطح معناداری متغیر اندازه هیات مدیره (بیش از ۵ درصد)، پذیرفته نمی‌شود؛ از این رو بین متغیر اندازه هیات مدیره با سودآوری بانک‌ها (ROE) رابطه‌ی معناداری برقرار نیست.

همچنین نتایج آزمون متغیرهای کنترلی، رابطه‌ی مثبت و معناداری را بین اندازه شرکت با سودآوری بانک‌ها (ROE) گزارش می‌دهد، اما متغیر اهرم مالی با سودآوری بانک‌ها (ROE) رابطه‌ی منفی برقرار می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد در تحقیق پیش رو به بررسی تاثیر رابطه حاکمیت شرکتی بر سودآوری بانک‌ها پرداخته شد که نتایج آن در قسمت قبل بیان شد. در این بخش به تفسیر نتایج حاصل از تاثیر رابطه حاکمیت شرکتی بر سودآوری بانک‌ها می‌پردازیم.

در این تحقیق به بررسی تاثیر پنج مولف اصلی از مولف‌های حاکمیت شرکتی شامل: وجود (عدم وجود) مدیرعامل به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره، نسبت اعضای غیرموظف، مالکیت مدیریتی، سهامداران نهادی و اندازه هیات مدیره بر سودآوری (نسبت بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام) پرداخته شد که نتایج بیانگر:

۱. نتیجه فرضیه اول بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و سودآوری بانک‌ها در سطح (ROA و ROE) می‌باشد. که این مسائل با توجه به عدم توجه به این موضوع در سطح بانک‌های ایرانی قابل قبول است چرا که به ندرت در ایران مدیرعامل بانک‌ها استقلال دارند چرا که اگر در ظاهر هم مجزا از هیات مدیره باشد ولی در کل بنا به دلایل خاص تحت نفوذ هیات مدیره می‌باشد. به طور کلی در اکثر بانک‌های ایرانی به علت عدم توجه به شایسته‌سالاری و انتصابات رابطه-مند مسئله استقلال مدیرعامل زیاد تاثیر گذار نمی‌باشد و معمولاً در تحقیقات گذشته زیاد به آن پرداخته شده است.

۲. نتیجه فرضیه دوم بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین نسبت حضور اعضای غیرموظف هیات مدیره و سودآوری بانک‌ها (ROA و ROE) می‌باشد. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف، در هیات مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آن‌ها به عنوان افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران بانک‌ها کمک شایانی می‌کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نقش مدیران غیرموظف در ایران مطابق با دیدگاه تئوری نمایندگی نیست و توانایی این ابزار نظارتی در بهبود افشای مالی بسیار ضعیف است. بر طبق قانون تجارت تعداد اعضای هیات مدیره شرکت‌ها نباید کمتر از ۵ نفر باشد. در بانک‌های ایرانی به مدیران غیرموظف به عنوان ابزاری برای تکمیل حد نصاب رساندن اعضای هیات مدیره نگریسته می‌شود و توجهی به نقش نظارتی آن‌ها نمی‌شود.

۳. نتیجه فرضیه سوم بیانگر وجود رابطه معنادار بین نسبت مالکیت مدیریتی و سودآوری بانک‌ها (ROA و ROE) می‌باشد. می‌توان بیان نمود سهامی که در اختیار مدیران بانک‌ها می‌باشد می‌تواند انگیزه‌ای برای اتخاذ تصمیمات مالی مختلف بر مبنای منافع شخصی آن‌ها و یا بر مبنای منفعت سهامداران باشد و در صورت اتخاذ هر نوع تصمیم، موجبات افزایش یا کاهش سودآوری بانک‌ها فراهم خواهد شد.

۴. نتیجه فرضیه چهارم بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین نسبت مالکیت سهامداران نهادی با سودآوری بانک‌ها (ROA و ROE) می‌باشد. با توجه به اینکه سهامداران عمده نهادی در ایران (از قبیل سازمان تامین اجتماعی، بنیاد مستضعفان و جانبازان و شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته به بانک‌های دولتی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهام عدالت استان‌ها) اکثراً وابسته به دولت هستند، علت احتمالی رد فرضیه این است که این دولتی بودن سهامداران نهادی ممکن است باعث کاهش انگیزه‌های آن‌ها در نظارت موثر بر فعالیت‌های شرکت‌های سرمایه‌گذاری باشد.

۵. نتیجه فرضیه پنجم بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین اندازه هیات مدیره و سودآوری بانک‌ها (ROA و ROE) می‌باشد. با توجه به ماده‌ی (۱۰۷) اصلاحیه‌ی قانون تجارت، تعداد اعضای هیات مدیره‌ی بیشتر شرکت‌های سهامی عام، ۵ نفر است. (در تحقیق حاضر در ۹۶ درصد از موارد هیات مدیره دارای ۵ عضو است). از این رو مورد مذکور ممکن است نتایج تحقیق را تحت تاثیر قرار داده باشد. از سوی دیگر، این موضوع بیانگر آن است که الزامات قانونی تعیین‌کننده‌ی اندازه‌ی هیات مدیره است و به سایر عوامل نظیر موضوع اندازه و ساختار بانک‌ها و غیره، توجه نمی‌شود.

به طور کلی مقایسه نتیجه این تحقیق با نتایج تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که در بیشتر موارد نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات گذشته تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. متفاوت بودن نتایج می‌تواند ناشی از متفاوت بودن چارچوب‌های حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت بانک‌ها و مسایل مدیریتی و فرهنگی کشورهای مختلف می‌باشد.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی:

۱. بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی با کیفیت سود بانک‌ها
۲. بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی با ساختار سرمایه بانک‌ها
۳. بررسی تاثیر ساختار کنترل داخلی با سودآوری بانک‌ها
۴. بررسی تاثیر حسابرس داخلی و کمیته حسابرسی بر سودآوری بانک‌ها
۵. بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی بانک‌ها
۶. بررسی تاثیر گزارشگری مالی میان دوره‌ای بر سودآوری بانک‌ها

منابع

- ۱- نمازی، محمد و کرمانی، احسان، (۱۳۸۷)، تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۳، صص ۱۰۰-۸۳.
- ۲- کردلوئی، حمیدرضا و محمدزاده، المیرا، (۱۳۹۱)، استقرار حاکمیت شرکتی در موسسات مالی ایران، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال اول، شماره دوم، صص ۱۰۲-۸۹.
- ۳- روشندل، محمد، (۱۳۸۶)، راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانکداری ایران. گروه مجوزه‌های بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۴- خدادادی، ولی و تاکر، رضا، (۱۳۹۱)، تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۵، صص ۱۰۱-۸۸.
- ۵- مشایخی، بیتا و محمدآبادی، مهدی، (۱۳۹۰)، رابطه مکانیزم‌های حاکمیت‌های شرکتی با کیفیت سود، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۸)، صص ۳۲-۱۷.
- ۶- ناظمی، امین و ممتازیان، علیرضا و صالحی‌نیا، محسن، (۱۳۹۳)، رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کارایی مدیریت موجودی کالا (مطالعه موردی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۴۲، صص ۱۸۶-۱۵۹.
- ۷- قدرتی، حسن و فیضی، سعید، (۱۳۹۴)، تاثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، شماره ۵۸، صص ۲۳۲-۲۰۵.
- ۸- سیف، ولی‌اله، (۱۳۹۳)، حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران: چالش‌ها و انتظارات، فصلنامه روند، شماره ۶۸، صص ۵۴-۱۵.
- ۹- وکیلی‌فرد، حمیدرضا و باوندپور، لیدا، (۱۳۸۹)، تاثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات مالی، شماره ۸، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- ۱۰- نیک‌بخت، محمدرضا و سیدی، عزیز و هاشم‌الحسینی، روزبه، (۱۳۸۹)، بررسی تاثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر عملکرد شرکت، پیشرفت‌های حسابداری، شماره اول، پیاپی ۵۸/۳، صص ۲۷۰-۲۵۱.

۱۱- کرمی، غلامرضا و قیومی، زهره و ابراهیمی کردلر، علی، (۱۳۹۳)، ارزیابی شاخص افشای مسئولیت اجتماعی و بررسی ارتباط این شاخص با عملکرد مالی در بانک‌ها در ایران (تحت رویکرد اسلامی)، فصلنامه مدیریت اسلامی، شماره ۲۲، صص ۱۴۹-۱۳۱.

۱۲- فردوسی، فروهر، (۱۳۹۳)، پیشگفتاری بر ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی با تاکید بر آسیب‌شناسی نظام بانکی بدون ربای ایران، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، صص ۱۴۹-۱۳۱.

۱۳- تقوی، مهدی و احمدیان، اعظم و کیانوند، مهران، (۱۳۹۱)، تحلیلی بر تاثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تاکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها)، فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره ۱۹، صص ۶۶-۴۵.

- 14- OECD (2009) Corporate Governance and the Financial Crisis: Key findings and main messages. Office for Economic Co-operation and Development
- 15- Policy Brief on Corporate Governance for Islamic Banks and Financial Institutions in the Middle East and North Africa Region, Hawkamah, The Institute for Corporate Governance, (2011).
- 16- Rashid, K (2008), "A Comparison of Corporate Governance and Firm Performance in Developing (Malaysia) and Developed (Australia) Financial Markets", Victoria University Melbourne
- 17- OECD Principles of Corporate Governance (2012), www.oecd.org/corporate/oecd-principle-sofcorporategovernance.htm.
- 18- Htay, Sheila Nu Nu, (2012), "Better Boards Towards Higher Profitability", World Review of Business Research, Vol.2. No.2. March 2012, Pp.149-163.
- 19- Peni, Emilia, Stanley D. Smith and Sami Vahamaa, (2012), "Bank corporate governance and Real Estate Lending During The Financial Crisis", University of Vaasa, Department of Accounting and Finance.
- 20- Ermina, Papanikolaou and Patsi Maria, (2010), "Corporate governance and bank performance", International Hellenic University.
- 21- Jensen, Michael C., William H. Meckling, "Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and -ownership structure", Journal of Financial Economics, October, 1976, V.3.4, pp.305-360
- 22- Berger AN, Hasan, I & Zhou, M, 2005, *Bank ownership and efficiency in China: What will happen in the world's largest nation?* Viewed 25 April 2008 <http://weatherhead.case.edu/bafi/Documents/Bergerpaper.pdf>
- 23- Bozec, R & Dia, M 2005, 'Board structure and firm technical efficiency: Evidence from Canadian state-owned enterprises', *European Journal of Operational Research*, pp .1-17.

- 24- Braga-Alves, MV & Shastri, K 2011, 'Corporate governance, valuation, and performance: Evidence from a voluntary market reform in Brazil', *Financial Management*, pp. 139-157.
- 25- Coleman, AK, Adjasi, CKD & Abor, J 2007, 'Corporate governance and firm performance: Evidence from Ghanaian listed companies', *Corporate Ownership and Control*, no. 4, pp. 123-132.
- 26- Roszaini, H & Mohammad, H 2006, 'Corporate governance structure and performance of Malaysian listed companies', *Journal of Business Finance & Accounting*, no. 33, pp. 1034-1062.
- 27- Satkunasingam, E & Shanmugam, B 2004, 'Disclosure and governance of Islamic banks: A case study of Malaysia', *Journal of International Banking Regulation*, no. 6, pp. 69-81.
- 28- Allen, Franklin, & XiaGu and OskarKowalewski, (2011), "Corporate governance and intra-group transactions in European bank holding companies during the crisis", World Economy Research Institute Warsaw School of Economics (SGH).
- 29- W AI-Chung Lo and Michael C.M.NG, (2009), "Banking reform and corporate Governance", *The Chinese Economy*, Vol.42, no.5, September-October 2009, pp. 21-39.
- 30- Berger, Allen N. et al (2005), "corporate governance and bank performance: A joint analysis of the static, selection, and dynamic effects of domestic, foreign, and state ownership", *Journal of Banking & Finance* 29 (2005) 2179-2221.
- 31- Al Manaseer, Mousa F., Riyadh Mohamad Al -Hindawi and Mohamad Abdulrahim Al -Dahiyat, (2012), "The impact of corporate governance on the performance of Jordanian Banks", *European Journal of Scientific Research*, ISSN 1450 - 216X Vol.67 No.3(2012), PP. 349 - 359.
- 33- Justin T. Wang, Heibatollah Sami and Haiyan Zhou, (2009), *Corporate Governance and Operating Performance of Chinese Listed Firms* www.ssrn.com.